

پرنده آبی

خانه سیاه است

● **هلیا آبادی**؛ در چند روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی درباره آخرین فهرست ارائه‌شده درباره آثار سینمایی مطالبی رد و بدل شده است که کاربران درباره فهرست صد فیلم برتر کارگردانان زن با هشتک #FilmsbyWomen100 در شبکه‌های اجتماعی نظرشان را پکوبند.

سال پیش ایندی وایر در آستانه روز جهانی زن فهرستی از فیلم‌های برتر کارگردانان زن را انتخاب کرد. در این فهرست غیر از نام‌های مشهوری همچون «شاتال اکرم»، «جولی دش»، «میرا نایر»، «کلوی ژانو» نام «فروغ فرخزاد» نیز به چشم می‌خورد. فروغ فرخزاد به‌خاطر مستند مشهورش «این خانه سیاه است» در این فهرست قرار داشت. این فهرست را نویسندگان سایت ایندی وایر تهیه کرده بودند و نام آنهایتا فروینسی‌زاده نیز با فیلم «آنها» در رتبه نودوهفتم آن قرار داشت. در چند روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی و در بین کاربران علاقه‌مند به سینما گفت‌وگو درباره فهرست جدید بی‌بی‌سی مطرح است. در این فهرست بار دیگر نام «فروغ فرخزاد» با فیلم «این خانه سیاه است» در رتبه ۲۵ قرار دارد.

دست‌اندرکاران بی‌بی‌سی در فهرستی که به تازگی منتشر شده است، صد فیلم برتر کارگردانان زن را معرفی کردند درباره این نظرسنجی گزارش داده و به نکات مختلفی اشاره کرده‌اند. در چند نظرسنجی گذشته آمار واضحی به دست آمده است. در بین صد فیلم برتر خارجی در همه زمان‌ها فقط چهار مورد از این صد فیلم از سوی زنان کارگردانی شده است. در نظرسنجی سال ۲۰۱۷ از صد فیلم برتر کمدی فقط چهار کارگردان زن در بین منتخبان بوده است. ۱۲ فیلم از کارگردانان زن در بین صد فیلم برتر قرن بیستم‌یکم در سال ۲۰۱۶ حضور داشتند و البته هیچ کدام از آثارشان در بین ۲۰ فیلم برتر قرار نداشته است. در نظرسنجی از منتقدان فیلم، برای یافتن صد فیلم برتر آمریکایی فقط دو فیلم از کارگردانان زن حضور داشت.

بخش فرهنگ بی‌بی‌سی برای امسال و در آستانه پایان سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفت توجه را به طور جدی بر کارگردانان زن متمرکز کند. نتیجه آن بزرگ‌ترین و بین‌المللی‌ترین نظرسنجی بخش فرهنگ بی‌بی‌سی است: انتخاب ۷۶۱ فیلم مختلف که از سوی ۳۶۸ کارشناس فیلم – منتقدان، روزنامه‌نگاران، برنامه‌نویسان جشنواره و دانشگاهیان – از ۸۴ کشور جهان –از افغانستان تا زیمبابوه – ارزیابی شد. البته از آنان خواسته شده بود جنسیت خود را مشخص کنند که در بین این افراد ۱۸۵ رأی‌دهنده زن، ۱۸۱ رأی‌دهنده مرد و بقیه افراد ترجیح دادند به سؤال جنسیت پاسخ ندهند. هر یک از رأی‌دهندگان، ۱۰ فیلم مورد علاقه خود از کارگردانان زن را اعلام کردند.



نتیجه، مجموعه‌ای خیره‌کننده از فیلم‌هاست که قدرت، خلاقیت و تنوع دنیای ساخته‌شده از سوی زنان سراسر جهان را نشان می‌دهد و از فیلم سکوت لویز وبر (۱۹۱۶) – تا سال ۲۰۱۹ برجسته‌ترین سوغات (جوونا هاگ) و پرتله بانویی در آتش (سیلین Sciamma) را دربر می‌گیرد. اکثر فیلم‌های موجود در این فهرست از دهه ۱۹۹۰ ساخته شده‌اند و گرچه ایالات متحده، فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، بلژیک و کانادا محبوب‌ترین کشورهایی بودند که این فیلم‌ها در آنها تولید شده بود اما فیلم‌هایی از آرژانتین، ایران، اوکراین، عربستان سعودی، هند، تونس و جمهوری چک هم در این رده‌بندی به چشم می‌خوردند. در آخر انگنس وردا، محبوب‌ترین کارگردان، با شش فیلم در بین صد فیلم برتر بود و پس از آن کاترین بیگلو، کلر دنیس، لین رامسی و سوفیا کاپولا محبوب‌ترین کارگردان بودند. شاهکار جین کمپبون، پیانو (۱۹۹۳)، یک برنده شایسته برای این فهرست بود که تقریباً ۱۰ درصد منتقدان آن را به عنوان فیلم برتر در بین آرای خود قرار داده بودند. در صدر این فهرست فیلمی درباره یک نوازنده پیانو بی‌صدا در کنار بحران وجودی یک دختر پارسیی واقع در شهر قرار دارد؛ کمدی خراب‌کارانه سوررئالیست چک که در کشور خود ممنوع شده است. سه روز از زندگی یک مادر مجرد در بلژیک؛ حسادت در لژیون خارجی فرانسه و دوستی عجیب و غریب زن و شوهری در یک هتل در توکیو – آثار برتر این فهرست است.

این گزارش همچنین دلایلی درباره اینکه چرا فیلم «پیانو» فیلم برتر – و «گنس وردا» محبوب‌ترین کارگردان بوده، ارائه داده است. در این گزارش تأکید شده است «مثل همیشه، قرار نیست این یک فهرست قطعی باشد، بلکه شعری برای گفتگو، بحث و بحث است» و از کاربران درخواست شده است همچنان با استفاده از هشتک‌ها نسبت به این فهرست نظرشان را بگویند. از نظر دست‌اندرکاران تهیه این فهرست، این اسامی «یک جشن پرستاره و قابل توجه درباره فیلم‌سازی زنان است».

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۸ ۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ ۱ دسامبر ۲۰۱۹
سال هفدهم • شماره ۳۵۸۵ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۷ • طلوع آفتاب ۶:۵۶

روزنفرها

کارتون خواب

کریستوبال نیروزو

روانشناسان: اوج گرفتن تبِ سلفی به بروز اختلالات روانی جدی منجر خواهد شد



اتفاق

نامزدهای برگزیده جایزه مهرگان ادب

شرق: جایزه «مهرگان» از معدود جوایز ادبی است که همچنان به فعالیتش ادامه داده است. اینک نیز جوایز دو دوره نوزدهم و بیستم خود را در دو زمینه رمان و داستان کوتاه انتخاب کرده است. دبیرخانه جایزه مهرگان با ابراز تأسف از حوادث اجتماعی و اقتصادی اخیر که منجر به نگرانی گسترده در جامعه شده است، ضمن ابراز همدردی با مردم، امیدوار است این شرایط تغییر کند. دبیرخانه این جایزه، فهرست آثار راه‌یافته به مرحله بعد را اعلام می‌کند: این فهرست شامل ۲۱ عنوان در هریک از بخش‌های رمان و مجموعه‌داستان است که از میان تعداد هزار و ۹۵۸ اثر و پس از چند مرحله داوری انتخاب شده‌اند. در بخشی رمان عناوین آثار منتخب به این شرح است:

«آتش زندان» ابراهیم دمشناس، «آخرین روزهای زندگی هلا»، «عطاء نهایی (رضا کریم‌مجاور)، «آقارضا وصله‌کار» مهیار رشیدیان، «بازگشت» گلی ترقی، «بند محکومین» کیهان خانجانی، «پدرکشی» ملاحت نیکسی، «راهنامی مردن با گیاهان دارویی» عطیه عطارزاده، «سرزمین عجایب» جعفر مدرس‌صادقی، «شکوفه عناب» رضا جولایی، «شمسیه لندنیه» سیدعلی میرفتاح، «ط» زاهد بارخدا، «غروب‌دار» سمیه مکیان، «کتاب

خمس» علیرضا سیفال‌دینی، «کفتار» مرتضی فخری، «کوچ شامار»، فرهاد حیدری‌گوران، «گفتن در عین نگفتن» جواد مجابی، «ما را با برف نوشته‌اند» نسیم توسلی، «ماخونیک» محسن فاتحی، «موزه اشیاء آشغالی» تکتُم توسلی، «هشت پاینست» مهدی بهرامی، «یک دایره چرکین» شها سلیمانی. مجموعه‌داستان‌های منتخب نیز از این قرارند: «آه‌ای مامان» احمد حسن‌زاده، «هوانسی» مهدی مجبی‌کرمانی، «اسپارانی» امیرعلی ریاحی، «او» محمد کلیاسی، «با شب یکشنبه» محمدرضا صدق‌ری، «بوطیقای شیطان» علیرضا لبش، «توت‌فرنگی‌های اهلی» مهدی قلی‌نژادملکشاه، «توتل» فرهاد کشوری، «جغد برفی» فاطمه مهرخان‌سالار، «جیرجیرک‌های باغ قوام‌السلطنه» لیلا فلاح، «خاطرات یک دروغگو» نسیم وهابی، «خدا مادر زیباتر در بیامرزد» حافظ خیایو، «دوازده نت برای سکوت»، کیوان صادقی، «رز قرمز» سیامک کلشیری، «رنگ‌ها» محبوبه میرقدیری، «روزگار شاد و ناشاد محله‌ی نفت‌آباد» قباد آذرآیین، «روزی می‌روی» عادل قلی‌پور، «زخم شیر» صمد طهری، «زن غمگین» محسن عباسی، «شرط‌بندی روی اسب مسابقه» امیرحسین خورشیدفر، «قنای دوداره» آرش صادق‌بیگی.

دور دنیا

ترامپ برزیل علیه دی‌کاپریو

کاردین: «ژائیر بولسونارو»، رئیس‌جمهور برزیل، مدعی شد «لئوناردو دی‌کاپریو» برای ایجاد آتش‌سوزی عمدی در جنگل‌های آمازون ۳۰۰ هزار دلار هزینه کرده است. در تابستان امسال آتش‌سوزی گسترده در جنگل‌های آمازون به بحرانی بین‌المللی تبدیل شد و بسیاری از کشورهای جهان از تلاش‌نکردن دولت برزیل برای خاموش‌کردن آتش ناراضی بودند. اتحادیه اروپا ۲۰ میلیون دلار کمک برای اینس موضوع اختصاص داد که رئیس‌جمهور برزیل آن را رد کرد و رفتار آنها را دخالت در این کشور دانست. «دی‌کاپریو» هم قول داد پنج میلیون دلار برای کمک به حفاظت از این جنگل‌های بارانی کمک کند. حالا «ژائیر بولسونارو»، رئیس‌جمهور طرفدار ترامپ و عوام‌گرای برزیل، در میان حامیان خود مدعی شد «لئوناردو دی‌کاپریو» برای به‌آتش‌کشیدن جنگل‌های آمازون پول داده است. او به طرفدارانش قول داده است سازمان‌های مردم‌نهاد فعال محیط‌زیستی را از این کشور بیرون کند. صحبت‌های بی‌اساس «بولسونارو» مرتبط با خبر دستگیری چهار آتش‌نشان داوطلب است که ظاهرا بدون هیچ مدرکی از سوی پلیس محلی برای به‌آتش‌کشیدن جنگل آمازون با هدف افزایش جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای یک سازمان مردم‌نهاد (NGO) بین‌المللی متهم شده‌اند. یک برزیلی در اقدامی کنایه‌آمیز با ایجاد وب‌سایتی انواع بحران‌ها در کشورهای آمریکای جنوبی را به ستاره‌های هالیوودی نسبت داده است و «تام هنکس» را عامل مالیات سنگین، «پنه لویه کروز» را عامل بی‌کاری، «جانی دپ» را عامل جنگل‌زدایی و «کیت وینسلیت» را عامل بحران آموزشی معرفی کرده است.

شاید ارسطو حق داشت که انسان را حیوان سیاسی بداند. شاید هم به همین علت است که خشونت سیاسی از دیرباز موضوع بررسی در روان‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم اجتماعی، اقتصاد و تاریخ بوده است.

با نضج‌گیری مغزپژوهی اجتماعی از حدود ۲۵ سال پیش کوشش بینارشته‌ای وسیعی صورت گرفته تا با اضافه‌کردن مطالعه نحوه کارکرد مغز در افراد و گروه‌های اجتماعی درگیر خشونت، بینش عمیق‌تری درباره این موضوع مهم به‌دست آید.

در آخرین مقاله مروری که جان دیستی، استاد دانشگاه شکاگو، همراه با دو همکارش در مجله علمی معروف مغزپژوهی اجتماعی (سوشال نوروساینس، ۲۰۱۸) نوشته‌اند، ارجاعاتی به بیش از ۱۰۰ مقاله علمی دراین‌باره شده است که در این مقاله به نکات مهمی اشاره می‌شود.

در اینجا، برداشتی کلی، مختصر، تعمیم‌یافته و تخصص‌زادانه از این مقاله را با شما در میان می‌گذارم؛ اول اینکه خشونت در درصد بالایی از انسان‌ها بسته به شرایط زیست اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی امکان بروز پیدا می‌کند، بنابراین برای خشونت ورزیدن لازم



عبدالحمن نجل رحیم مغزپژوه

نیست مغز به بیماری و اختلالی پیشینی مبتلا شده باشد؛ به عبارت دیگر، عده کمی هستند که بتوانند حتی در شرایط سخت و تنگناها و موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ویژه ناگزیر نشوند که دست به خشونت سیاسی بزنند. اساس بی‌رحمی انسان از آنجایی آغاز می‌شود که گروه‌های انسانی برآثر تعاون و همکاری و افزایش توان بقا و تکثیر گروه‌های پرجمعیت و بزرگتر، به جایی می‌رسند که هم‌گونه‌های خود را به «دوست» و «غیردوست» تقسیم می‌کنند و اگر مغزشان انعطاف‌پذیری لازم برای مصالحه و تعامل و مدار با گروه مقابل را نداشته باشد، آنها را دشمن تصور کرده و آن هنگام خشونت‌ورزی چاره کار خواهد بود.

در این شرایط اسفبار، احساس همدلی (امپاتی) مغز که اساس رحم و شفقت و مهربانی با دیگر انسان‌ها است، نسبت به دشمن از کار خواهد افتاد و او (دشمن)، مانند انسانی دیگر تصور نمی‌شود که کشتن او جایز نباشد، بلکه مانند جسمی بی‌ارزش و مانعی بی‌مقدار انگاشته می‌شود که باید هرچه زودتر از سر راه برداشته شود. از طرف دیگر، همان دستگاه همدلی و شفقت مغزی که در بسیاری موارد باعث پیوند و همبستگی مفید به حال بشریت می‌شود، در این تقسیم‌بندی می‌تواند به سوگیری متعصبانه نسبت به باورهای گروه خود در مقابل غیرخود کمک کند.

جالب است هورمون آکسی توسین که از بخش خلفی هیپوفیز مغز ترشح می‌شود، گیرنده‌های

تلنگر

نیازها، چالش‌ها و حقوق شهروندی فراموش‌شده

حفظ هویتشان فاصله و در برخی از این اصول فاصله معناداری نیز داریم و چالش‌هایی اساسی پیش‌روی این افراد هست که می‌تواند مانع بزرگی در تحقق حقوق شهروندی این افراد باشد؛ از جمله این چالش‌ها موضوع عدم مناسب‌سازی محیط‌های عمومی برای حضور مستقل افراد دارای معلولیت برای انجام کارهایشان است. مناسب‌نبودن پیاده‌روها، اتوبوس‌ها، تریمینال‌ها، حمل و نقل درون‌شهری، ورودی بانک‌ها، عابربانک‌ها، نبود سرویس‌های بهداشتی مناسب معلولان، تابلوهای راهنمایی در تقاطع‌ها، پارکینگ خودروی مختص معلولان، آسانسورها، نبود رمپ در تمام نقاط شهر، توجه‌نکردن به اصول مناسب‌سازی جلوی در خانه‌ها و پارک‌کردن خودرو جلوی سطح شیب‌دار و... از جمله موانع حضور افراد دارای معلولیت برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی است. این موضوع حتی در سازمان‌هایی که خود مسئول پیگیری این امور هستند و در ستاد ملی مناسب‌سازی هم عضویت دارند، به چشم می‌خورد که باید گفت جای تأسف دارد. اهمیت مناسب‌سازی محیط برای این افراد آن‌قدر بالاست که حتی در ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی که به عنوان جشنواره شهید رجایی شناخته می‌شود، به عنوان یکی از محورها تعیین شده است.

ولی در عمل گویا خیلی اهمیتی ندارد؛ گرچه به نسبت سال‌های قبل بهتر شده است. فراموش نکنیم استقلال آنان و شناساندن توانایی و ظرفیت‌هایشان بدون حضور مستقل در جامعه بسیار دشوار خواهد بود. یکی از مشکلات معلولان برای حضور در جامعه نبود امکان دسترسی به اماکن عمومی و ادارات دولتی، به دلیل مناسب‌نبودن مسیرهای تردد در سطح شهر است. چالش اشتغال و به عبارت بهتر بی‌کاری این افراد چالش اساسی دیگری است. با وجود تمهیدات اتخاذشده برای حمایت از اشتغال این افراد و اعطای تسهیلات برای کارفرمایانی که این افراد را به کار می‌گیرند، ولی همچنان این مشکل



سیدحسن موسوی‌چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

روز جهانی افراد دارای معلولیت از سال ۱۹۹۲ میلادی که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام شد، هر ساله در سوم دسامبر مصادف با نوزدهم آذرماه برگزار می‌شود. در ابتدا این روز را از طرف انجمن مددکاران اجتماعی ایران به همه افراد دارای معلولیت و دست‌اندرکاران این حوزه تبریک می‌گویم. هدف از تعیین این روز ارتقای رشد آذهان عمومی درباره مسائل مربوط به معلولیت‌های مختلف و افزایش آگاهی‌هایی بوده است که باید از مسئله پیوستن افراد معلول در همه جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی منتج شود. در ایران هم در این روز به اشکال مختلف سازمان‌های دولتی و غیردولتی و انجمن‌های مرتبط مراسم مختلفی برگزار می‌کنند تا هم ضمن بیان عملکردها در این زمینه، نیازها و چالش‌های مرتبط را هم اعلام کنند. فکر می‌کنم با توجه به تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در دو مقطع در سال ۱۳۸۳ و قانون جدید در سال ۱۳۹۷ و پیوستن ایران به کنوانسیون جهانی حقوق معلولان توجه به این افراد به نسبت قبل بیشتر شده است. گرچه تا تحقق کامل حقوق این افراد بر مبنای مفاد اسناد، سیاست‌ها و قوانین جاری کشور و کنوانسیون جهانی حقوق افراد دارای معلولیت و تحقق اصول این کنوانسیون از قبیل: احترام به منزلت ذاتی، خودمختاری فردی شامل آزادی انتخاب و استقلال افراد، عدم تبعیض، مشارکت فعال و مؤثر و ورود در جامعه، احترام به تفاوت‌ها و پذیرش افراد دارای معلولیت به‌عنوان بخشی از تنوع انسانی و بشریت، برابری فرصت‌ها، دسترسی، برابری بین زن و مرد، احترام به ظرفیت‌های قابل تحول افراد دارای معلولیت و احترام به حقوق این افراد در جهت

مغز اجتماعی -۹۳

توصیف جدید از خشونت در مغزپژوهی

بسیاری در تمامی مغز دارد که ترشح افزوده آن در مغز آدمی می‌تواند باعث شود که بر دامنه و گستره دوستان یبفزاید و بسیاری از دشمنی‌ها را به مصالحه و آشتی بکشاند.

اما آنچه آتش خشونت را شعله‌ور می‌کند، احساس عدالت‌خواهیی است که همراه با احساس همدلی در مغز فعال است، به همین دلیل است که خشونت می‌تواند در جهت عدالت‌طلبی و به صورت احقاق حق تصبیع‌شده از طرف قربانیان و مظلوم‌واقع‌شدگان علیه ظالمان اعمال شود. جهان این خشونت‌ورزان، اندیشه، ایدئولوژی، جهان‌بینی و باورهای رقیب را برنمی‌تابد. دروازه مغزشان فقط به ارزش‌های هیجانی اجتماعی والا و مملو از معنویت خودشان باز است. ترشح دوپامین فراوان در ناحیه مزولیمبیک مغزشان پاداشی مکنی فراهم می‌کند تا بقیه مغز، غیرمنعطف و بسته به سوی هر نوع تساهل، تعامل و مدارا بماند تا همچنان افراد خودشان به جنگ و خشونت علیه فرد یا گروه مقابل، هدایت شوند.

البته بسیاری از افراد در عمل دست به خشونت نمی‌زنند، ولی در مغز خود می‌توانند خشونت فروخته داشته باشند و تنها طرفدار بی‌عمل باقی بمانند و دست به خشونت آشکار نزنند. جالب اینکه مدارهای مخصوص مغزی این سوگیری‌های متعصبانه را که می‌تواند خشونت‌های افراطی تولید کند، امروزه می‌توان به وسیله دستگاه‌های جدید نقشه‌برداری مغز دنباله‌گیری کرد.

تلنگر

نیازها، چالش‌ها و حقوق شهروندی فراموش‌شده

از مشکلات دارای اولویت است. گرچه شرایط جسمی و... این افراد خود می‌تواند مانعی برای تحقق این خششان باشد ولی همیشه این‌گونه نیست. در ایران قانونی مبتنی بر قانون سه درصد وجود دارد که بیان می‌کند در دستگاه‌های دولتی سه درصد افراد استخدای باید از معلولان باشند اما به این ماده قانونی در بسیاری از سال‌ها از سوی دستگاه‌های اجرایی و خصوصی کم‌توجهی شده است.گرچه در سال‌های اخیر تلاش شده است حداقل در حوزه دستگاه‌های دولتی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. مشکلات افراد دارای معلولیت در حوزه‌های تحصیلی و دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی موضوع دیگری است که نباید به‌راحتی از کنار آن گذشت. آموزش می‌تواند فرصتی برای تحقق حق آموزش در کشور برای این افراد باشد و از این طریق بتواند به زندگی مستقل دست پیدا کنند و قابلیت‌هایشان را به نمضه ظهور برساند. تشکیل خانواده برای این افراد به دلیل شرایطی که دارند، به‌مراتب سخت‌تر از سایر افرادی است که معلولیت ندارند. شناخت‌نداشتن بسیاری از مردم و مسئولان از حقوق این افراد موجب شده است در بسیاری از مواقع حق این افراد نادیده گرفته شود و حتی گاهی اوقات برخوردهایی نامناسب با آنان داشته باشند. در کنار افراد دارای معلولیت، خانواده‌هایشان هم مشکلات متعددی دارند که نباید مورد بی‌توجهی قرار گیرد. علاوه بر هزینه‌های اضافی‌ای که معلولیت برای خانواده‌ها دارد، نگهداری از عضو دارای معلولیت می‌تواند در ایفای نقش‌های اجتماعی و حتی سلامت جسمی و... آنها نیز تأثیر منفی بگذارد بنابراین به موضوع مراقبت از خانواده هم باید توجه شود. انتظار می‌رود در این شرایط اقتصادی نامناسب که بسیاری از مردم ایران از آن رنج می‌برند، از این افراد و خانواده‌هایشان حمایت ویژه‌تر صورت گیرد؛ چراکه هزینه‌هایی این خانواده‌ها در این شرایط به‌مراتب افزایش بیشتری پیدا خواهد کرد.

تجربه دیگران

زنان فمینیست‌تر می‌شوند؟



نابرابری‌هایی که در زندگی روزمره با آنها روبه‌رو

هستند آگاه‌تر می‌شوند. در سال ۲۰۱۷ دولت برای همه شرکت‌های دارای بیش از ۲۵۰ کارمند الزام قانونی قرار داد تا بتوانند برای ازبین‌بردن شکاف جنسیتی عمل کنند. بیش از ۷۴ درصد از زنان هنوز هم می‌گویند که زنان در محیط کار با تبعیض روبه‌رو هستند و ۲۵ درصد نیز اظهار کردند در صورت اعتراض به آزار و اذیت اخراج می‌شوند. در سایر زمینه‌های زندگی عمومی، جنسیتی در حال افزایش است.

بیش از نیمی از زنان جوان فکر می‌کنند در حال حاضر وضعیت خوبی دارند اما بعدی نیست

که پس از رسیدن به ۲۰سالگی با وجود زندگی

در انگلستان به خاطر جنسیت خود دچار تبعیض

شوند. تنها ۱۵ درصد از زنان احساس کردند

برابری زنان در ۱۲ ماه گذشته بهبود یافته اما

سال گذشته ۲۶ درصد زنان معتقد بودند برابری

جنسیتی در حال افزایش است.